

گزارشی در باره جنگ آینده از دیدگاه "چین"*

تاریخ ارائه: ۷۹/۸/۲ تاریخ تصویب: ۷۹/۹/۱۵ گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی

کلیدواژه‌ها

چین، جنگ آینده، انقلاب اطلاعاتی، جنگ در قرن بیست و یکم، تهاجم غافلگیرانه، جنگ زمینی، جنگ دریایی، جنگ هوایی.

چکیده

از دغدغه‌های اساسی استراتژیست‌های بزرگ جهان داشتن تصویری از جنگ آینده است این امر که بیش از هر چیز دیگری می‌تواند از غافلگیریهای استراتژیک بکاهد اکنون در محور اصلی مطالعات و بررسیهای سیاسی و نظامی قرار گرفته است. چین نیز یکی از کشورهایی است که در این چارچوب تصویر خود را از جنگ آینده در زمین، دریا و هوا و همین‌طور جنگ اطلاعاتی مورد بررسی قرار داده است. آنچه پیش روی شماست گزارشی است از رویکردهایی در باره جنگ آینده از دیدگاه استراتژیست‌های چینی و برخی از تحلیلگرانی که تحولات چین را بررسی می‌نمایند.



مقدمه

یکی از کشورهایی که در آینده‌ای نه چندان دور در تعیین روندهای بین‌المللی نقش مهمی ایفا خواهد کرد، کشور چین است. این کشور با قدمتی طولانی در تمدن بشری و تجربه‌ای فراوان در صحنه‌های گوناگون از کشورهای آسیایی است که زمینه‌های بالقوه بسیار مناسبی را برای تبدیل شدن به یک قدرت اثربخش جهانی داراست. از سوی دیگر تجربه کمونیزم در این کشور و ظهور و بروز شخصیت‌هایی چون مائو در آن سامان نوعی

* این مقاله بخشی از یک پروژه پژوهشی در پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین(ع) است.

تضاد و تخاصم جدی را با دنیای غرب رقم زد که همواره زمینه‌ساز رقابت و گاه تخاصم با غرب بویژه آمریکا بوده است. ویژگی‌هایی چون گستردگی مساحت و کثرت جمعیت و نیروی کار ارزانتر در سایه حکومتی سوسیالیستی با مردمی کم‌توقع و کوشا موجب گردیده است که چین تبدیل به یکی از کشورهای گردد که در دهه ۹۰ بالاترین رشد اقتصادی را تجربه کرده است و اقتصاد آن کشور به سرعت در حال رشد است. پیشرفتهای اساسی در زمینه‌های تکنولوژیک و نظامی، کشورهای غربی و اروپایی را که به فکر فرو برده است تا بکوشند این حرکت سهمگین را کنترل یا تحلیل کنند و در برابر آن از ترفندهایی سود جویند تا تهدید بالقوه چین هرگز به تهدیدی بالفعل تبدیل نگردد. چینی‌ها خود همواره در زمینه‌های استراتژیک، دفاعی و امنیتی در حال پژوهش و تحقیق بوده و با ایجاد مراکز مطالعات استراتژیک و جذب اساتید و پژوهشگران در این خصوص از فعالترین کشورها سطح جهان به شمار می‌آید. از ره‌آورد این کوششها و تحقیقات، چینی‌ها استراتژیها و تاکتیکهای مناسب را به دست می‌آورند و گاه آنها را به صورت آشکار ابراز می‌دارند. از مهمترین این مباحث، دیدگاه چینی‌ها در زمینه‌های استراتژی امنیتی و استراتژی نظامی است که بر آن اساس دیدگاه آنها در زمینه جنگ محتمل‌الوقوع آینده شکل می‌گیرد. جالب توجه آن است که به سبب حساسیت بیش از اندازه آمریکاییها نسبت به روند تحولات و پیشرفتهای در چین که آن هم دلایل و انگیزه‌های بسیار دوربینانه و قابل بحثی دارد مهمترین و وسیعترین بحثها را در زمینه دیدگاه چینی‌ها نسبت به جنگ آینده را استراتژیستها و نظامیان آمریکایی بوجود آورده و در این زمینه ادبیات وسیعی را گسترش داده‌اند. برای مثال می‌توان به موارد انتشاراتی توسط مؤسسه رند* آمریکا توجه کرد.^(۱)

آینده نظامی چین از دید آمریکا

پیش از ورود به مبحث دیدگاه چینی‌ها در باره جنگ آینده بجاست که با برخی از مواضع چینی‌ها و استراتژیستهای آنان در زمینه استراتژی امنیتی و محیط امنیتی از دیدگاه آنان آشنا شویم. تبیین این استراتژیها بر این اساس است که چینی‌ها همواره در تلاش برای ایفای یک نقش وسیعتر و اساسی‌تر در سیاستهای جهانی هستند. همان‌طور که پُل دیب می‌گوید: «چین در وضع کنونی یک قدرت جهانی نیست، اما در جستجوی

* RAND

نقشی بزرگتر برای خود در امور جهانی است و مشروعیت نظم کنونی بین‌المللی را به طور کامل نمی‌پذیرد».^(۲) چینی‌ها نظم بین‌المللی را که آمریکا در آن همواره هژمونی خود را تحمیل می‌کند از همان ابتدا نفی کرده و در پی ایجاد نظم نوینی هستند که پس از فروپاشی شوروی سابق و خاتمه یافتن جنگ سرد، تک قطبی را در جهان نامقبول ساخته و از ایجاد هژمونی آمریکا و تحمیل سیاستهای آن کشور جلوگیری کند. آمریکاییها نیز این موضوع را کاملاً درک کرده و در آثار خود، چه به طور رسمی و چه به طور غیررسمی، بدان اشاره‌ای جدی دارند. در گزارشی که وزارت دفاع آمریکا در باره چین ارائه می‌کند، دیدگاههای آمریکا در باره استراتژیهای امنیتی چین را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«اولین هدف ملی چین، تبدیل شدن به کشوری ثروتمند، متحد و قوی است، به این معنی که به عنوان کشوری قوی و بزرگ در جهان به شمار آید و به منزله قدرت اول آسیا محسوب شود. ... استراتژی بزرگ چین برای دستیابی به این هدف ملی، اولویت بخشیدن به رشد اقتصادی سریع و پایدار است».^(۳)

همان‌گونه که از دیدگاه آمریکاییها در باره چین استفاده می‌شود، استراتژی بزرگ چین همان ایجاد رشد اقتصادی سریع و پایدار است که بتواند چین را به عنوان کشوری قدرتمند در جهان طرح کند. هرچند این نگاه را نمی‌توان کامل توصیف کرد که تمامی زوایای تفکر چینی‌ها را درباره نقش آنها در آینده ترسیم کند، اما بخش عمده‌ای از آن می‌توان درست باشد. اما در بخش استراتژیهای نظامی، آمریکاییها اظهار داشته‌اند که استراتژی امنیتی چین تلاشی برای تقویت ارکان سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرت ملی است.^(۴)

اما در بخش استراتژی نظامی از ابتدای دهه ۱۹۹۰ تمرکز استراتژی نظامی چین بر آماده‌سازی در برابر اجتماعات بالقوه نظامی در امتداد کناره جنوب شرقی چین بوده است. یکی از کارشناسان برجسته سیا در مورد چین، پنج نکته حائز اهمیت را فهرست کرده است و می‌گوید که تعیین وضعیت چین برای ورود به قرن بیست و یکم در این چارچوب میسر می‌گردد:^(۵)

- ۱- چین ترکیب مناسبی از سیاستهای اقتصادی مورد نیاز را برای رشد اقتصادی پایدار در قرن بیست و یکم پیگیری می‌کند.
- ۲- چین نیروی کار و بنیانهای فنی و تکنولوژیک مورد نیاز برای رقابت بین‌المللی و

- پشتیبانی از نوسازی نظامی را گسترش می‌دهد.
- ۳- چین یک برنامه وسیع نوسازی نظامی را ادامه خواهد داد که تواناییهای قدرت‌افکنی آن را تقویت می‌کند.
- ۴- هرچند رهبری سیاسی آینده چین غیرمشخص باقی می‌ماند ولی ظاهراً در وضعیت کنونی توانایی کامل اداره کشور را داراست.
- ۵- سرانجام، رهبری سیاسی چین در پی جلوگیری از چالشهایی است که منافع چین را به خطر می‌اندازد و این کار را با ترکیبی از تمام عناصری انجام می‌دهد که پیشتر تذکر داده‌شد و رسمیتی برای چین به عنوان یک قدرت بزرگ به دست می‌آورد.
- همان‌گونه که در فقرات پنج‌گانه فوق دیده می‌شود، کارشناسان سیان نیز اساسی‌ترین محورهای رشد چین را در تقویت رشد اقتصادی و نوسازی صنایع نظامی آن کشور دیده‌اند و احساس می‌کنند که این روند در آینده‌ای نه چندان دور منافع آنها را با خطر روبه‌رو خواهد ساخت.

دیدگاههای چین در باره آینده

به هر حال رشد اقتصادی روزافزون چینی‌ها و ورود مناسب آنها در بازارهای نظامی و غیرنظامی جهان بسرعت به همگان این نکته را متذکر گردید که باید با نگاهی نو چین را بازنگری کرد. در این مقال کوشش بر آن است که تصویری از نبرد آینده‌ای که چینی‌ها برای خود در زمینه‌های مختلف متصور می‌دانند، ترسیم کنیم. به همین منظور با بهره‌برداری از متون نوشته شده کارشناسان و نظامیان چینی تلاش می‌کنیم تا دیدگاه آنان را در مورد جنگهای دریایی، زمینی و هوایی و همین‌طور جنگ اطلاعاتی در قرن بیست و یکم تبیین کنیم. نگاه به وضعیت چینی‌ها در زمینه‌های متفاوت جنگهای آینده بدون داشتن تصویری که آنها از تحولات اخیر صورت گرفته در امور نظامی دارند، ممکن نیست. پس باید ابتدا به آنچه چینی‌ها انقلاب در امور نظامی می‌دانند نخبی بزنیم.

واقعیت آن است که مهمترین رویداد دهه آخر قرن ۲۰، و آستانه قرن بیست و یکم را نمی‌توان چیزی دانست جز انقلاب اطلاعاتی*. وجه تمایز اساسی این انقلاب با دیگر انقلابهای رخ داده آن است که انقلاب اطلاعاتی در واقع تکامل و تحول اساسی در دنباله ذهن انسانی است درحالی که دیگر انقلابها از جمله انقلاب صنعتی پیشرفتی در پی

* Information Revolution

اندامهای انسانی بوده است.^(۶) این وجه تمایز بخوبی نشان می‌دهد که انقلاب اطلاعاتی به سبب تأثیرگذاری بر صحنه ذهن بشری تمامی دیگر صحنه‌ها را نیز متأثر ساخته و دیدگاه استراتژیستها و نظامیان را نیز به خود معطوف داشته است. تأثیرگذاری انقلاب اطلاعاتی در کنترل سلاحهای استراتژیک، به‌کارگیری موشکهای دوربرد و بمبهای هدایت شونده و... همگی از صحنه‌های نبرد تصویرهای متفاوتی را به وجود آورده که امروزه می‌رود تا نبردهای آینده را به افسانه‌های علمی - تخیلی گذشته شبیه سازد. سلاحها، سربازان، سکوهای جنگی، سیستمهای فرماندهی، ارتباطی، کامپیوتری و اطلاعاتی تحت تأثیر این تحولات، کاملاً چهره‌ای دیگر به خود گرفته‌اند و سرنوشت جنگها را دیگر متکی به تعداد نیرو و یا کشتی و هواپیما نخواهد ساخت.^(۷) با چنین رویکردی جنگ نیز باید دوباره مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. چینی‌ها در تصویر خود از جنگ دریایی آینده چنین نگرشی را ایجاد کرده و توسعه داده‌اند.

جنگ آینده دریایی

انقلاب نوین در امور نظامی در صحنه جنگ در دریا نیز ثمرات شگرفی به بار آورد. چینی‌ها بر این باورند که انقلاب جدید نظامی، دیجیتالی کردن صحنه‌های جنگ دریایی را بشدت تسریع خواهد کرد؛ شیوه‌های ارتباطی را افزایش خواهد داد؛ و توانایی پردازش اطلاعات را تقویت خواهد کرد؛ و کارآمدی منزل و فرماندهی را بهبود خواهند بخشید.^(۸) این رویدادها در گرو کنترل اطلاعاتی است که امری بسیار خطیر به شمار می‌آید و به همین سبب چینی‌ها بر این اعتقادند که اصلی‌ترین محور در جنگ آینده، کنترل و تسلط اطلاعاتی بر جنگ است. از این رو در آثار خود به حمله به دشمن با تسلیحات پیشرفته اطلاعاتی به منظور فلج کردن سیستمهای مختلف و فرماندهی دشمن تأکید دارند. بدینسان در واقع جنگ دریایی آینده از نظر آنان نیازمند یک استراتژی نه فقط در هوا و دریا بلکه در کنترل اطلاعات است.^(۹) به نظر تاکتیکی، جنگیدن به شکل کنترل از راه دور، آینده جنگ در دریاست. به همین سبب گفته‌اند که «با تکنولوژی بالا، جنگ دریایی آینده با حمله از راه دور به عنوان مفهوم اساسی نبرد، تعریف و تنظیم خواهد شد.»^(۱۰)

یکی دیگر از مهمترین مفاهیم در میان چینی‌ها نسبت به جنگ آینده در دریا، مفهوم دیجیتالی کردن است. دیجیتالی کردن به معنای ایجاد ارتباط بین سکوهای جنگی

گوناگون، واحدهای رزمی و حتی تسلیحات به خدمت گرفته شده در جنگهای دریایی از طریق سیستمهای دیجیتال ارتباطات و سیستمهای اطلاعاتی است. این امر که خود در ایجاد تصویری شفاف از جنگ آینده در دریا اهمیت بسزایی دارد، ناشی از انقلابی است که در تکنولوژی اطلاعات رخ داده و سرعت فراگیر شده است.

برای تطبیق با جنگ آینده ساختار نیروی زمینی، دریایی و هوایی مشابه خواهد گردید. ارتباطات فرماندهی میان نیروهای مسلح بسیار بیشتر یکپارچه خواهد شد. تسلیحات در میان سازمانهای مختلف تبادل پذیرتر می گردند و خدمات پشت جبههها برای سازمانهای مختلف فعال خواهند بود.^(۱۱) جنگ آینده دریایی در نگرش چینیها، جنگی مرکب است، و کلید پیروزی در این جنگ، هماهنگی بیشتر نیروها با تکیه بر تکنولوژی بالا و کنترل اطلاعاتی است.

جنگ هوایی آینده

جنگهای رخ داده در اواخر قرن بیستم بخوبی نشان دهنده اهمیت نیروی هوایی در جنگهاست. عملیاتی مانند طوفان صحرا و سپر صحرا نشان داد که تا چه اندازه نیروی هوایی می تواند سرنوشت یک جنگ را رقم زند بدون اینکه نیروهای زمینی هنوز درگیر یک جنگ مستقیم شده باشند. قاطعیت در پیروزی یک جنگ بدون دخالت نیروی هوایی در آن تقریباً دیگر متصور نیست. با وجود تمامی تحولات در صحنههای گوناگون جنگ، نیروی هوایی هنوز کم و بیش خود را در صحنههای مختلف نبرد به رخ می کشد. درک صحیح از توانایی جنگ هوایی دشمن و نقش آن در ایجاد سناریویی که بتوان آن را مبنای تصویر نبرد آینده ساخت، بسیار حائز اهمیت است. چینیها در تصویر خود از جنگ هوایی، پراهمیت ترین عوامل مؤثر در جنگ هوایی را موارد قبیل ذیل می دانند:^(۱۲)

- ۱- سلاحهای هوشمند هوایی؛
- ۲- سیستمهای اتوماسیون و یکپارچه؛ و
- ۳- بازدارندگی هوایی.

هریک از این مفاهیم در جنگ آینده مورد نظر چینیها می تواند نقشی را ایفا کند که با سرنوشت جنگ پیوند خورده است. سلاحهای هوشمند هوایی در تاکتیکهای نبردهای هوایی می تواند جایگزین مناسبی برای نیروهای انسانی شود و مناطق عملیاتی را پس از

شناسایی دقیق مورد ضربه قرار دهد. سیستم‌های اتوماسیون و یکپارچه، مجموعه‌ای از دستگاه‌های الکترونیک و کامپیوتری را در یک سیستم یکپارچه منسجم می‌کنند و می‌توانند در بازدهی مثبت و عملیاتها به صورت کارآمدی موفقیت‌آمیز باشند. بازدارندگی هوایی که از توانایی برتر نیروی هوایی در واردکردن ضربه دوم حکایت دارد، هم در جهت استراتژیهای بازدارنده عملیاتی و هم در مقیاس استراتژیهای بزرگ مورد نظر چینی‌ها به کار گرفته شده است. از آنجا که عملیاتهای هوایی نقش کلیدی را در پیروزیهای میدان نبرد بازی کرده‌اند، استراتژیهای چینی وزن بالایی را برای این نوع از مفاهیم در نیروی هوایی ملحوظ می‌دارند. انجام مانورهای هوایی گسترده، به کارگیری تکنولوژی نوین و... در ایجاد این نوع بازدارندگی مؤثرند و چینی‌ها تلاش دارند تا نشان دهند که در جنگ آینده، برتری هوایی را از همان ابتدا در اختیار خواهند داشت. بنابراین، بازدارندگی هوایی، به کارگیری بنیادین نحوه‌ای از بازدارندگی در آینده خواهد بود. (۱۳)

انقلاب در امور نظامی در بُعد نیروی هوایی با ایجاد سیستمهای تسلیحاتی اطلاعاتی، تصویر جنگ آینده را بسیار پیچیده ساخته است. درگیریهایی که اساس آن بر جنگهای اطلاعاتی بنا گردیده است، تحولات جدی و جدیدی را در صحنه‌های جنگ بروز خواهد داد که جنگ هوایی بارزترین آنهاست.

جنگ آینده زمینی

چگونگی رخداد جنگ آینده در زمین از اساسی‌ترین دلمشغولیهای چینی‌ها در تصویر نبرد آینده است. مفاهیمی از قبیل "تهاجم غافلگیرانه" و یا "ضربه در عمق" با وجود استراتژیهای اطلاعاتی در جنگ زمینی به تاریخ سپرده شده‌اند. در نظر چینی‌ها جنگهای زمینی آینده، چند بُعدی و چند سویه خواهند بود. (۱۴) به کارگیری فراگیر اطلاعات در فرماندهی، کنترل ارتباطات موجب گردیده بود که در دو دهه اخیر تحولات اساسی در صحنه نبرد کاملاً چشمگیر و بارز باشد. اما انقلاب در امور نظامی، تحولی ایجاد کرده است که چینی‌ها آن را اساسی‌ترین تحول در دهه‌های اخیر در جنگهای زمینی می‌دانند. در این صحنه، زمان و سرعت مفاهیم جدیدی پیدا خواهند کرد. سلاحهای هدایت شونده از طریق سیستمهای اطلاعاتی دقیق، سرعت سرسام‌آور، و دقت بی‌اندازه را با یکدیگر ترکیب خواهند کرد و زمان در این صحنه، اساسی‌ترین نقش

را ایفا خواهد کرد. برتری اطلاعاتی در صحنه جنگ زمینی هنگامی که با قدرت آتش ترکیب گردد می‌تواند سرنوشت جنگ آینده را در زمین رقم زند. به‌کارگیری روباتها به جای انسانها در خودروهای بدون سرنشین و آتشبارهای اتوماتیک تا اندازه زیادی برتری نیروی انسانی چینی‌ها را زیر سؤال خواهد برد.

انجام عملیات مشترک و مرکب بانبروهای دیگر هوایی و زمینی تحت تسلط یک قدرت اطلاعاتی برتر می‌تواند نیروی آتش را صدچندان کند و نقش نیروها و فرماندهی را تا اندازه زیادی در برابر اطلاعات کم‌رنگتر سازد. اما چه کشوری و تا چه اندازه‌ای می‌تواند این برتری را به دست آورد، سؤال جدی و اساسی چینی‌هاست؛ بدین سبب چینی‌ها به طور گسترده به سوی فهم این مسئله و ایجاد راه‌حلهای مناسب برای آن پیش رفته‌اند. دیجیتالی کردن صحنه‌های نبرد در آینده جنگهای زمینی، به‌کارگیری سلاحهای اطلاعاتی، هماهنگ کردن اقدامات نبرد در صحنه جنگ زمینی، ایجاد سازگاریهای اطلاعاتی در عملیتهای مشترک و مرکب، دلمشغولیهای اصلی چینی‌ها در نبرد آینده هستند.

اما در تصویر جنگ بدون درگیری، که اولین فاکتور اساسی آن حذف نقش نیروی زمینی به صورت برجسته است، باید چاره‌ای دیگر اندیشید. این موضوع که امروزه به یکی از مهمترین مباحث اصیل در جنگ آینده بدل گردیده، برای چینی‌ها به صورت یک مطالعه استراتژیک درآمده و مقالات و کتب زیادی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است.

نتیجه‌گیری

از آنچه به رشته تحریر درآمده بخوبی روشن می‌گردد که نقش چین در آینده‌ای قابل پیش‌بینی، نقشی پر اهمیت است. نگاه چینی‌ها به جنگ آینده، و تصویری که آنها از این جنگ دارند می‌تواند جهت بخش صنایع دفاعی، تکنولوژی نظامی، ابعاد اطلاعاتی دیگر فرآیندهایی باشد که در تصویرسازی از جنگ آینده از یک سو و عملیات موفق و یافتن برتری اطلاعاتی از سوی دیگر بسیار مؤثر واقع می‌شود. بی‌شک باید گفت که انقلاب در امور نظامی* که خود نتیجه انقلاب اطلاعات** است و آن هم نیز بر اثر

* Revolution in Military Affairs (RMA) ** Information Warfare (IW)

پیشرفتهای حاصل در تکنولوژی اطلاعات* رخ داده است، تأثیرات خود را در سطوح مختلف استراتژی، عملیاتی و تاکتیکی برجای گذاشته است. جنگ آینده در هوا، دریا و زمین و به همین شکل جنگ در صحنه اطلاعات مهمترین میدانهای نبرد خواهد بود که کاملاً شیوه‌های جنگ در آن با گذشته تفاوت خواهد کرد. آمریکاییها با درکی مستقیم از این موضوع، چین را در صدر مطالعات خود قرار داده و برای آن اهمیت استراتژیک قائل هستند و بدین سبب می‌کوشند تا از زوایای مختلف موضوع را مورد بررسی قرار دهند. ما نیز که در پی استراتژی اداره جهان براساس چند محوری و چندقطبی هستیم باید بکوشیم تا با ایجاد تحقیقات مناسب و یافتن فهمی درست از این تحولات، از صحنه‌های گوناگون سیاسی، دفاعی و نظامی جا نمانیم تا در آینده نقشی بسیار برتر از آنچه اکنون داریم ایفا کنیم.

* Information Technology (IT)

یادداشتها

۱- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به

- Mark Buries, *Chinese Policy Toward Russia and Central Asian Republics*, (Santa Monica : Rand, 1999).
- Zalmy Khalilzad, Abram Shulsky and et.al, *The United States and a Rizing China : Strategic and Military implications*, (Santa Monica : Rand, 1999).
- 2- Paul Dibb, "Towards a new Balance of Power in Asia", *Adelphi paper*, No.295, p.48.
- 3- Report to Congress Pursuant to Section 1226, November 1998, p.73.
- 4- *Ibid.*
- 5- John Gannon, *An Outlook for China : A CIA Perspective*, (U.S.A. : CIA, 1996), p.5.
- 6- Jeffry Cooper, *Understanding Information Warfare, Another View*, (U.S., SCIP Pub, 1995), p.3.
- 7- *Ibid.*
- 8- Michal PhisBury, *Chinese Views of Future War*, (Mc Nair, NDU Pub. 1997), part four, p.6.
- 9- *Ibid.*
- 10- *Op.Cit.*, p.14.
- 11- Gannon, *Op.Cit.*, p.18.
- 12- Phis Bury, *Op.Cit.*, p.15.
- 13- *Op.Cit.*, p.6.
- 14- Chang Mengxiong, *The Revolution in Military Affairs, Weapons of The 21st Century*, p.12.